



دو سوم کارگران ایران از شمول قانون کار خارج می شوند تعرض وحشیانه سرمایه داران به حقوق کارگران باید متوقف شود

گسترش مبارزات توده‌ای و چشم انداز جنبش اعتراضی برای نفی نظم موجود

تمام کارگران بخش کشاورزی، بخش های دامپروری و پرورش ماکیان و طیور، آبریان و غیره، نیز از شمول قانون کار خارج می شوند. در این پیش نویس، بخش هایی از مواد ۴۹ و ۵۰ که مربوط به طرح طبقه بندی مشاغل است، نیز حذف شده و طرح طبقه بندی مشاغل، دیگر شامل اکثریت عظیم کارگران نخواهد شد. در عین حال الزام قانونی و جرایمی که برای عدم اجرای طرح طبقه بندی برای سرمایه دار در نظر گرفته شده بود نیز حذف شده اند.

با این حساب روشن است که اگرچندی پیش سه، چهار میلیون کارگر کارگاههای زیر ۵ نفر را از شمول قانون کار خارج کردند، اکنون با دستبرد جدید به حقوق کارگران، اکثریت بزرگ کارگران را از شمول قانون کار خارج می کنند. بر طبق اطلاعاتی که منابع دولتی انتشار داده اند، دو سوم کارگران از شمول قانون کار خارج می شوند. طرح طبقه بندی مشاغل دیگر شامل اکثریت بزرگ کارگران نمی شود و کارگران آزمایشی آن محروم می

صفحه ۳

تعرض سرمایه داران و دولت خاتمی به عنوان مجری سیاست های سرمایه داران داخلی و بین المللی به حقوق و سطح معیشت طبقه کارگر ایران بی وقفه ادامه دارد. تغییر ۴ ماده از قانون کار به زیان کارگران و به نفع سرمایه داران، تقریباً قطعیت یافته و مراحل نهایی خود را می گذراند. کمیسیون ویژه ای که در پی مذاکرات نماینده رسمی سرمایه داران، دولت و عوامل سرمایه داران از شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، مأموریت یافته بودند تا به نام نمایندگان کارگر و کارفرما پیش نویس آئین نامه های اجرایی را تهیه و برای تصویب نهایی به شورای عالی کار و هیئت دولت فرستاده شود، تا آنجایی که اعلام شده است، در چند مورد، این پیش نویسها را آماده کرده و به شورای عالی کار فرستاده است و تنها این مانده است که هیئت دولت نیز رسماً آنها را تصویب و به مرحله اجرا گذارد. در نتیجه این تغییرات در مواد ۱۸۹ و ۱۹۱، قانون کار دیگر شامل کارگران کارخانه ها و کارگاههایی که کمتر از ۱۰ کارگر داشته باشند نمی شود. همچنین

بحران سیاسی-اقتصادی دامن داری که رژیم جمهوری اسلامی را در چنگال خود گرفته است، هر روز عمیق تر و ژرف تر می شود. توده های کارگر و زحمتکش که از فرط فقر و تنگدستی و بی عدالتی به ستوه آمده اند، مردمان تهی دست و زحمتکشی که از شدت فشارهای اقتصادی و معیشتی و زور گویی های رنگارنگ رژیم به تنگ آمده اند، به اعتراض برخاسته، کارخانه ها، خیابانها و شهرها را به میدان مبارزه علیه این زور گویی ها و ستمگری ها، علیه این رژیم ارتجاعی و سرکوبگر و علیه نظامی که سر منشاء این محدودیتها و بی عدالتی هاست، تبدیل ساخته اند. حکومت اسلامی به رغم اعمال بیش از پیش فشار و سرکوب و به رغم گستراندن فضای وحشت و اختناق در جامعه، نه دامن این بحرانها را کاهش داده است و نه توده مردم زحمتکش را از اعتراض و مبارزه باز ایستانده است.

سیاست های دولت خاتمی، یگانه و آخرین امید و شانس جمهوری اسلامی در تمامی عرصه ها با شکست و ناکامی روبرو شده است. امید بستگان به بهبود اوضاع و معجزات خاتمی، حتی عقب مانده ترین بخش آن نیز، به واهی بودن این امیدها پی برده اند و دیگر کسی امید به بهبود وضع در چارچوب نظم موجود ندارد. از سوی دیگر سران رژیم نیز مدت هاست که خودشان هم به این مسئله پی برده اند و پی برده اند که مردم، راه چاره را در "خارج از این نظام" می جویند. بیهوده نیست که همزمان با تداوم و تشدید فشار و

صفحه ۲

یادداشت های سیاسی

دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر:

تا ۲۰ سال دیگر ۱۹ میلیون معتاد

۸

همین مانده بود که ((دادگاه جرائم اینترنتی)) تشکیل شود!

۷

مسئولیت این فجایع به گردن کیست؟

یکی از کارگران جهاد نصر (میتاق اهواز) به نام محمدرضا مقدم که در حین کار دچار بیماری ریوی شده بود و بعد هم کارفرما عذر وی را خواسته بود، در روزنامه های حکومتی انعکاس یافت.

این خبرهای دردناک و تاسف آور، حاکی از شرایط شاق و طاقت فرسایی است که سرمایه داران و دولت اسلامی پاسدار منافع آنها، بر کارگران ایران تحمیل نموده اند. سرمایه

صفحه ۳

آزاد علیزاده، یکی از کارگران چیت تهران از شدت فشارهای زندگی در دوم شهریور ۸۱ دست به خودکشی زد و به زندگی خود پایان داد. سه روز پس از این حادثه یکی دیگر از کارگران این شرکت به نام رحمت عمران ۵۷ ساله نیز دست به خودکشی زد اما همکاران وی توانستند به موقع این کارگر را به بیمارستان برسانند و او را از مرگ نجات دهند. سال گذشته نیز خبر خودکشی یکی از کارگران چوبیران در مهرماه و خودسوزی

در این شماره

مبارزه طبقاتی و

رهائی زنان (۲۴)

۶

خلاصه ای از اطلاعیه ها

و بیانیه های سازمان

۷

اخبار کارگری جهان

۴

گسترش مبارزات توده‌ای و چشم انداز جنبش اعتراضی برای نفی نظم موجود

سرکوب، چپ و راست عاجزانه از مردم می‌خواهند به حکومت‌اسلامی امیدوار بمانند و از آن مایوس نشوند. (۱) مردم اما طی بیشتر از دو دهه تجربه، به اندازه کافی متقاعد شده‌اند که با وجود جمهوری‌اسلامی چیزی به نفع آنان تغییر نخواهد کرد و بنابراین راه دیگری جز تشدید مبارزه علیه کلیت این نظام و براندازی آن وجود ندارد. از همین روست که کارگران و زحمتکشان، در اشکال متنوع و به بهانه‌های مختلفی علیه رژیم دست به مبارزه و اعتراض زده‌اند و می‌زنند. نگاهی به اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگری، اعتراض‌ها و شورش‌های شهری در استان‌های مختلف کشور در همین دو سه هفته اخیر نیز، از همین واقعیت حکایت می‌کند.

در مورد اعتراضات کارگری باید گفت که واقعا هفته‌ای نیست که در آن چند اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگری صورت نگیرد. برای نمونه کارگران چیت‌سازی به شهر در ادامه مبارزات طولانی مدت خود، در نیمه دوم شهریور نیز بار دیگر در برابر کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق‌های معوقه خود شدند. نزدیک به دو هزار کارگر چیت‌سازی به شهر، ماه‌هاست بلاتکلیف و در معرض اخراج و بیکاری‌اند. در همین حال کارگران شرکت لامپ الوند که وضعیت مشابهی را از سر می‌گذرانند و چهارماه است دستمزد نگرفته‌اند، در مقابل استانداری قزوین دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند.

اعتراضات و مبارزات کارگران قرقه زیبا که از حدود دو ماه پیش و در پی اخراج ۶۰۰ تن از کارگران این کارخانه آغاز شد، هم - چنان ادامه دارد. این کارگران بار دیگر در بیستم شهریورماه و با تجمع در برابر بنیاد مستضعفان نسبت به زورگویی سرمایه‌داران و بازخرید اجباری و نیز نسبت به مصوبات ضد کارگری مجلس دست به اعتراض زدند. این‌ها فقط چند نمونه از اجتماعات و اعتراضات کارگری است. بدیهی است که اعتراضات کارگری به موارد یاد شده محدود و منحصر نمی‌شود. هم‌اکنون اکثریت عظیمی از کارگران با شرایط و دشواریهای مشابهی دست بگریبانند. این کارگران که عموماً دستمزد - هایشان پرداخت نمی‌شود و شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند و یا در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند، همه جا خواستار پرداخت حقوق‌های عقب‌افتاده، ادامه کاری و ضمانت شغلی خود هستند و برای تحقق مطالبات خود، هر روز، در اشکال متفاوتی دست به مبارزه و اعتراض می‌زنند و بیش از پیش این

اعتراضات را، از چار دیواری کارخانه‌ها و رودر رویی با یک کارفرما، به سطح شهرها، خیابان‌ها و جاده‌ها و رودر رویی با دولت به عنوان نماینده کل طبقه سرمایه‌دار، کشانده‌اند. سایر افشارستم‌کشیده و زحمتکش جامعه نیز در همین فاصله کوتاه، در چندین مورد دست به اعتراض و شورش زده‌اند. در هفتم شهریور ماه، مردم زحمتکش زور آباد کرج، در برابر یورش ماموران شهرداری برای تخریب خانه‌هایی که به اصطلاح بدون مجوز ساخته شده است، دست به اعتراض و مبارزه زده‌اند و در جریان یک درگیری، شماری از اعتراض کنندگان دستگیر شدند. دهم شهریورماه، صدها تن از مردم کنارک واقع در استان سیستان و بلوچستان، دست به شورش و تظاهرات زدند. اعتراض مردم از آنجا آغاز شد که یک افسر پاسدار به یک دختر بچه ۹ ساله تجاوز می‌کند، که مردم، این حیوان جانی را دستگیر و تحویل دادگاه می‌دهند. اما لحظاتی بعد وقتی که این افسر آزاد می‌شود، مردم معترض، خشمگینانه، ساختمان دادگاه را مورد حمله قرار می‌دهند و به شکستن شیشه‌ها و در و پنجره دادگاه می‌پردازند. با تیراندازی نیروهای سرکوب، تظاهرات اعتراضی مردم اوج بیشتری می‌گیرد و به یک شورش تبدیل می‌شود که در جریان آن، مردم، ساختمان بخشداری، بسیاری از ساختمان‌های دولتی و بانک‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند و خودروهای نیروهای انتظامی را نیز به آتش می‌کشند. مسئولین دولتی شدیداً به وحشت می‌افتند و برای مقابله با شورش مردم، نیروهای انتظامی چاه بهار را به کمک می‌طلبند. در جریان درگیریها و تیر اندازی به سوی مردم، چندین نفر کشته و زخمی و شمار زیادی نیز دستگیر شده‌اند. روز سه شنبه ۱۹ شهریور، شهر مهاباد نیز شاهد تظاهرات گسترده و شورش مردم علیه زورگویی‌ها و ستم‌گری‌های رژیم جمهوری اسلامی بود. موضوع از این قرار بود که روز دوشنبه ۱۸ شهریور، نیروهای انتظامی پاسگاه کاولان، به دستور فرمانده خود، به روی سر - نشینان شماری از وسایل نقلیه که مشغول حمل بار بودند، تیراندازی می‌کنند که در جریان این تیراندازی سه نفر کشته و چند نفر دیگر زخمی می‌شوند که خبر این کشتار وحشیانه به سرعت در شهر مهاباد می‌پیچد. وقتی که جنازه سه تن از اهالی سردشت (۲) همراه با دو نفر دیگر که به سختی مجروح شده بودند، به شهر آورده شد، مردم خشمگین مهاباد، دست به اعتراض و تظاهرات علیه رژیم زدند. مردم مهاباد که شمار زیادی از اهالی سردشت نیز با وسایل نقلیه خود را به مهاباد رسانده و به آنان ملحق شده بودند، در جریان شورش اعتراضی و خود انگیخته خود، در برابر یورش نیروهای انتظامی نیز دست به مقاومت و مقابله زدند و تظاهرات و اعتراضات خویش را به تمام سطح شهر گسترش دادند. در جریان این شورش شهری، مردم به جان آمده از زورگویی - های رژیم، یکی از مراکز سرکوب رژیم یعنی شهربانی شماره یک مهاباد را مورد حمله قرار دادند و در ادامه تظاهرات گسترده خود،

به ساختمان دادگاه، بانک‌های صادرات ملی، تجارت و برخی دیگر از ساختمان‌های دولتی حمله کرده و چندین خودرو رژیم را نیز به آتش کشیدند. مسئولین و مقامات دولتی که از تظاهرات و شورش مردم مهاباد شدیداً به وحشت افتاده بودند، با درخواست کمک و اعزام نیروهای کمکی از شهرهای ارومیه، نقره و میان - دو آب، و پس از چندین ساعت درگیری و تیر اندازی به روی مردم که در جریان آن چندین نفر کشته و زخمی شدند، توانستند موقتاً اوضاع را به کنترل خود درآورند.

به دنبال تظاهرات و شورش مردم مهاباد، مردم پیرانشهر نیز در اعتراض به زورگویی‌ها و جنایات رژیم دست به تظاهرات توده‌ای زدند و در جریان این اعتراضات خود، بانک‌ها و ساختمان‌های دولتی را مورد حمله قرار دادند. این نمونه‌هایی از مبارزات اعتراضی آنهم فقط در دو سه هفته اول شهریور ماه است. واقعیت این است که اعتراضات کارگری و مبارزات توده‌ای به این نمونه‌ها خلاصه نمی‌شود، معذراً افق گسترش مبارزات و اعتراضات توده‌ای را در همین نمونه‌ها هم می‌توان مشاهده کرد. همین نمونه اعتراضات کارگری و مبارزات توده‌ای اولاً بازتاب دهنده این واقعیت است که افشار مختلف توده‌های زحمت - کش مردم، دیگر به طور واقعی نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضعیت موجود را تحمل کنند. آنان در برابر سیاست‌های سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم، بیش از پیش به اشکال علنی و مستقیم اعتراض روی می‌آورند، و در جریان هر اعتراضی مراکز سرکوب و تاسیسات دولتی را مورد حمله قرار می‌دهند و از هر فرصتی برای ابراز ضدیت و مخالفت آشکار با کلیت نظام حاکم استفاده می‌کنند. ثانیاً نفس وجود این مبارزات و اعتراضات توده‌ای و اشکال متنوع آن، حاکی از آن است که رژیم با سرکوب و فشار بیشتر هم نتوانسته است و نمی‌تواند مردم را به سکوت و بی تفاوتی بکشاند. ثالثاً و از آن جا که رژیم نتوانسته است و نمی‌تواند مطالبات کارگران و افشار زحمتکش مردم را برآورده سازد و بحران سیاسی - اقتصادی ژرف یابنده راه‌ها و کنترل نماید، مبارزه کارگری و کل مبارزات اعتراضی در اشکال متنوعی گسترش خواهد یافت. در یک کلام، جنبش اعتراضی توده‌ای برای نفی نظم موجود، اعتلا بیشتری خواهد گرفت.

زیرنویس‌ها:

۱- رفسنجانی در نماز جمعه ۲۲ شهریورماه، مردم را به امید بستن به جمهوری اسلامی ترغیب می‌کرد وحتا با "گناه" خواندن یاس و ناامیدی، مذبوحانه تلاش کرد لاقلاً افشار قشری تر مذهبی و خرافی را نسبت به روی گردانی از رژیم بترساند. غافل از این که این حرف‌ها موجب تمسخر مردم است و چیزی بیش از کوبیدن آب در هاون نیست.

۲- این افراد به نام‌های علی و ابراهیم (دو برادر) از اهالی روستای "سوه که ل" و غفور اهل سردشت می‌باشند.

ازصفحه ۱ دو سوم کارگران ایران از شمول قانون کار خارج می‌شوند

تعرض وحشیانه سرمایه داران به حقوق کارگران باید متوقف شود

گردند و در آنجایی که رسماً باقی می‌ماند، سرمایه‌داری هیچ الزامی به اجرای آن ندارد. کارگران ایران با این تغییرات در قانون کار به شدت مخالفند و این مخالفت خود را تاکنون به‌اشکال مختلف ابراز داشته‌اند. این مخالفت از این زاویه نیست که گویا قانون کاری که تاکنون وجود داشته مترقی و بیانگر حقوق کارگران بوده است. کارگران ایران به خوبی ماهیت ارتجاعی قانون کار موجود را می‌شناسند، و از هر کارگر نیمه آگاهی هم که سؤال شود، موارد متعددی را که در این قانون، حقوق کارگران به کلی نادیده گرفته شده و لگدمال شده است برخواهد شمرد. این مخالفت تنها به این هم محدود نمی‌شود که با این تغییرات شرایط مادی و معیشتی و رفاهی کارگر از آنچه امروز هست و خیم تر خواهد شد و استثمار ابعاد هولناک تری به خود خواهد گرفت. نکته برجسته تر در این مخالفت کارگران، این است که یک حق انسانی کارگر از وی سلب می‌شود و یک دست آورد جهانی کارگر از او گرفته می‌شود. هر قانون کاری مستثنا از این که چقدر ارتجاعیست یا مترقی، چقدر منافع کارگر را تامین می‌کند یا سرمایه دار، فی نفسه بدین معناست که کارگر، برده دوران باستان نیست، رعیت قرون وسطا نیست، بلکه قدرتیست که از حق و حقوق برخوردارست. نیروی کارش را می‌فروشد، استثمار هم می‌شود، اما سرمایه‌دار زیر فشار مبارزه ای که طبقه کارگر داشته، به ناگزیر پذیرفته است که نتیجه این فشار و مبارزه را رسماً و کتبا بپذیرد. حقوقی را که کارگر با مبارزه کسب نموده به رسمیت بشناسد، ضوابطی را بر مناسبات حاکم سازد و کم و زیادی آن را به زور و تناسب قوای طرفین موکول نماید. طبقه کارگر جهانی از همان آغاز موجودیت خود، سالها مبارزه کرد تا توانست بورژوازی را به پذیرش یک قانون مجزایه نام قانون کار وادار کند. طبقه کارگر ایران نیز مدت‌ها مبارزه کرد تا قانون کار رسماً پذیرفته شد. حالا پس از سال‌های سال، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و رئیس جمهور "اصلاح طلب" اش، در طول کمتر از دو سال اکثریت بسیار عظیم کارگران ایران را از شمول قانون کار خارج می‌کند. این بدان معناست که عملاً قانون کاری وجود ندارد، از کدام قانون کار می‌توان صحبت کرد وقتی که بیش از دو سوم کارگران مشمول آن نمی‌شوند؟ از این جهت تمام کارگران ایران مستثنا از این که تغییرات شامل حال آنها بشود، یا نشود معترضند. این مسئله مربوط به این یا آن بخش طبقه نیست، مسئله تمام طبقه کارگرست. محروم شدن اکثریت عظیم طبقه کارگر ایران، از هرگونه حق و حقوق کارگری بدین معناست که سرمایه دار می‌تواند بایک کارگر همچون یک برده مسلوب-الحق رفتار کند، او را بدون هرگونه محدودیت هرطور که خواست و برای هر مدتی به کار وادارد. امروزه او کاربدهد، فردا اخراجش کند. ساعات کار را در روز حتی به دو برابر افزایش دهد، اما دستمزدی که به کارگری پرداخت کند کمتر از آن چیزی باشد که کارگر هم اکنون دریافت می‌کند. رفتار غیرانسانی

خود را به حد اعلا برساند و کارگر از نظر حقوقی و قانونی حق اعتراض نداشته باشد. اما جنبه دیگر این تغییرات، تنزل هولناک سطح معیشت کارگران، وخیم تر شدن شرایط کار و زندگی و تشدید هولناک استثمار است. دستمزد کارگران تنزل بیشتری خواهد کرد. بسیاری از مزایای کارگران که بر طبق قانون کار و مقررات دولتی به کارگر تعلق می‌گرفت و از جهت معیشتی، کمکی به گذران زندگی کارگر و خانواده او بود، از بین خواهد رفت. با حذف طبقه بندی مشاغل، مزایایی که از این بابت نیز می‌توانست عاید کارگر شود، حذف خواهد شد. با حذف بیمه های اجتماعی در همین محدوده حداقلی که اکنون وجود دارد، وضعیت معیشتی و بهداشتی و درمانی خانواده های کارگری به نحو اسف باری وخیم خواهد شد. کارگری که بیکاری شود دیگر با گرسنگی محض و مرگ روبروست، بهداشت و ایمنی محیط کار و خیم تر از آنچه که امروز وجود دارد، خواهد شد و تباهی جسمی و مرگ و میر کارگران از این جهت نیز افزایش خواهد یافت. متجاوز از دو سوم کارگران ایران با شرایط هولناکی روبرو می‌شوند. نباید اجازه داد که سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها، این چنین زندگی میلیون‌ها کارگر را تباه کنند و فدای مقاصد سود پرستانه خود نمایند. اگر طبقه کارگر ایران نتواند این تعرض وحشیانه سرمایه داران را با مبارزه همه جانبه خود متوقف کند، شرایط زندگی اکثریت عظیم کارگران ایران و خیم تر از بردگان دوران باستان خواهد شد، چرا که حداقل از برده حفاظت می‌کردند و شکم او را سیر می‌نمودند، تا سالها بتواند برای برده دار کار کند. اما برداران نوین در ایران، همین را هم نمی‌پذیرند. چون از بابت برده های نوین چیزی نپرداخته و هزینه ای هم منتقل نشده اند که نگران نابودی و مرگ و میر و یا کم شدن بردگان خود باشند و شکم آنها را سیر کنند. به جای برده ای که از گرسنگی و تباهی جسمی و روحی می‌میرد و نابود می‌شود، میلیون ها بیکار و گرسنه از فرط نیاز اقتصادی، پشت در کارخانه ها صف کشیده اند تا به خدمت برده داران نوین در آیند. اما این تغییرات و نتایج آن به همین جا خاتمه نمی‌یابد، هنوز کمیسیون در حال تهیه پیش نویس تغییراتی در دیگر مواد قانون کار است، که کارگران کارخانه های بالاتر از ده کارگر را شامل خواهد شد و در راس این تغییرات، دادن اختیار کامل به سرمایه دار برای اخراج کارگر و باز گذاشتن دست سرمایه داران در زمینه دستمزد و مزایای کارگران و حقوق قانونی آنهاست. در آینده نزدیک، این کمیسیون باید پیش نویس تغییر این مواد را به شورایی عالی کار و هیئت دولت ارائه دهد. دیگر نیازی هم به این نیست که این مسائل در مجلس مطرح شوند، و سر و صدای آن به بیرون درزند، دولت با استفاده از سوراخ و سنبه ها و تبصره هایی که در قانون کار هست، خود را با این تغییرات را تصویب می‌کند و به مرحله اجرا در می‌آورد. در روزهای آینده مشخص تر خواهد شد که کدام بندها، مواد و تبصره های دیگر را تغییر خواهند داد.

ازصفحه ۱

مسئولیت این فجایع به گردن کیست؟

دار، نیروی کار کارگر، یعنی یگانه چیزی که کارگر برای فروش دارد، به بهاء ارزانی می‌خرد، اما درازاء آن حتا مزدی که کارگر لااقل بتواند با آن وسایل ضروری یک زندگی بخورد و نمیر را تامین کند نمی‌پردازد. کارگر، به رغم آنکه آفریننده همه گونه وسایل آسایش، امکانات و نعمات زندگی است، اما خود از این امکانات و حتا از تغذیه، پوشاک و مسکن مناسب و یا سایر ضروریات اولیه زندگی هم محروم است.

طبقه سرمایه دار و دولت مذهبی پاسدار منافع این طبقه، جهت کسب سودهای بیشتر، وحشیانه کارگران را استثمار می‌کنند و در همان حال که افراد کم شمار این طبقه، سود های سرشاری به جیب می‌زنند و از فرط وفور نمی‌دانند این سودها را چگونه مصرف کنند، اکثریت عظیم افراد جامعه، یعنی کارگران و اعضاء خانواده آنها را به بدترین شرایط ممکن اقتصادی و معیشتی فروغلطانده اند. بدون هیچ شک و تردیدی درآمد اکثریت کارگران ایران زیر خط فقر است و در سال های اخیر، کارگران و خانواده های کارگری بیش از پیش به فقر، تنگدستی، گرسنگی، بیماری و سیه روزی سوق داده شده اند. معذرا این تمام مسئله نیست. اگر سرمایه دار، جان کارگر شاغل را تکه تکه می‌گیرد، اما او هر لحظه اراده کند و یا همین که احساس کند آن میزان سودی که برای خودش تعیین کرده از کارگر حاصل نمی‌شود، کارگر را از کار بیکار می‌کند و کارگر بیکار از دریافت همان دستمزد ناچیز هم که حتی کفاف تجدید حیات وی را نمی‌داد محروم می‌شود!

ولی کارگر که زندگی اش - با هر کیفیت - وابسته به فروش نیروی کارش به سرمایه دار است، حال که بیکار شده است، آن هم در جامعه ای که کارگران آن از حداقل های استانداردهای بین المللی در زمینه تامین اجتماعی محروم اند، چگونه باید زندگی کند؟ امورات خود را چگونه باید بگذراند؟ اکنون میلیون ها کارگر در چنین وضعیتی به سر می‌برند و اگر که اکثریت این کارگران برای مقابله با سرمایه داران و دولت حامی آنها دست و پنجه نرم می‌کنند، هر روز دست به اعتراض و مبارزه می‌زنند تا حقوق خود را از حلقوم آنان بیرون بکشند، اما هستند کارگرانی هم که از فرط این مشکلات از پای در می‌آیند و از آنجا که قادر نیستند مخارج زندگی همسر و فرزند خود را تامین کنند، دست به خود سوزی و خودکشی می‌زنند و یا ناگهان زندگی مشترک را ترک می‌کنند و دیگر به خانه باز نمی‌گردند! افزون بر اینها، هر ساله دهها هزار کارگر در حین کار جان خود را از دست می‌دهند و یا دچار

اخبار کارگری جهان

*** کارگران بنادر غرب آمریکا:**
مبارزه برای قراردادهای دستجمعی

مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی بیش از ۱۰ هزار کارگر بارانداز سواحل غربی آمریکا و نمایندگان کارفرما، خطوط کشتی رانی دانمارکی - آمریکایی **Maersk Sealand** بزرگ ترین خطوط کشتی رانی بازرگانی در جهان از نخستین روزهای ماه ژوئیه با بن بست مواجه شده و تا کنون نیز هیچ نشانه‌ای از تمایل نمایندگان کار فرما برای آغاز مجدد مذاکرات به چشم نمی خورد. اما دلایل و زمینه‌های این عدم تمایل کارفرما چیست و شرایط مبارزه در حال حاضر چگونه است که اتحادیه کارگران بارانداز آمریکایی، که یکی از ادیکال ترین اتحادیه های کارگری آمریکا با سالها تجربه مبارزاتی است، هنوز دست به اعتصاب و واداشتن کار فرما به پذیرش خواست کارگران نزده است. دلیل این امر را باید در فضای پس از ۱۱ سپتامبر سال گذشته جستجو کرد. زمانی که هیئت حاکمه آمریکا تحت تاثیر جو پس از این واقعه، مغتنم ترین فرصت تاریخی را به دست آورد که راست روانه ترین سیاست‌های خود را علیه توده های کارگر و زحمتکش آمریکا به کاربندد، سرمایه‌داران نیز از این موقعیت حداکثر استفاده را کرده و بسیاری دستاوردهای مبارزاتی کارگران را یک سره غیر قابل اجرا اعلام نمودند. اکنون هم اتحادیه کارگران بارانداز **ILWU** در آمریکا با این تضییقات روبروست. به طور مستقیم و تحت امر کمیسیون امنیت ملی، که فردی ۱۱ سپتامبر و به بهانه مبارزه با تروریسم ایجاد شده، به نمایندگان کارگران هشدار داده است که هرگونه اعتصاب و اعتراض که در امور اقتصادی اختلال ایجاد کند به شدید ترین شکلی سرکوب خواهد شد. حتما پا را از این فراتر گذاشته و اعلام شده است که در صورت آغاز اعتصاب در بنادر غرب آمریکا، ماموران گارد ملی به کار گماشته شده و اعتصابیون به زور از محوطه بنادر دور نگه داشته خواهند شد. در همین حال کارفرما نیز اعلام نموده که خبری از امکانات بهداشتی نبوده و کارگران نباید به فکر افزایش تسهیلات رفاهی خود باشند. به رغم تمام این تهدیدات آشکار دولت آمریکا، اما کارگران عزم خود را جزم کرده و تا کوتاه کردن دست دولت و سرمایه داران از حقوق صنفی خود مبارزه را ادامه خواهند داد. در همین رابطه روز ۱۲ اوت به دعوت **ILWU** هزاران نفر در خیابان های شهر های بزرگ نظیر لوس آنجلس، سانفرانسیسکو، اوکلند و تاکوما آمده و اعلام نمودند که ۱۵ هزار خانواده کارگری در ۳ ایالت آمریکا نمی‌توانند بیش از این گرسنگی کشیده و از سرمایه داران خواستند که مجدداً به پای میز مذاکره بیایند. در همین حال روز ۱۵ اوت و هم زمان با افتتاح اسکله بارگیری شرکت **Maersk Sealand**، بیش از ۲ هزار کارگر در مقابل اسکله جمع کرده و خواستار

رسیدگی به خواست خود شدند. در همین رابطه کارگران بنادر در دانمارک هم در همبستگی با کارگران بنادر غرب آمریکا دست به یک اعتصاب یکروزه زدند و حمایت کامل خویش را از هم زنجیران خود در آمریکا اعلام نمودند.

*** اوج گیری مبارزه کارگران کشاورزی در کالیفرنیا**

روز ۲۵ اوت، بیش از ۱۰ هزارتن از کارگران کشاورزی پس از طی دهها کیلومتر به شهر ساکرامنتو وارد شده و در مقابل ساختمان استانداری ایالت کالیفرنیا تجمع نمودند. کارگران شاغل درصدها مجتمع کشت و صنعت در این ایالت در سخت ترین شرایط و بعضاً تا ۱۵ ساعت و با حداقل دستمزد به کارگماشته شده و به دلیل این که اغلب این کارگران مهاجران غیر قانونی هستند که از کشورهای مختلف آمریکای جنوبی راهی آمریکا می‌شوند تا بتوانند لقمه نانی برای خود و خانواده گرسنه خود تهیه کنند، هرگونه اعتراضی از سوی آنان منجر به دستگیری و اخراج آنان از خاک آمریکا می‌شود. به همین دلیل کارفرما - میان به ویژه مهاجرین غیرقانونی را به کار می‌گیرند و به این ترتیب آنان را به وحشیانه ترین شکل استثمار می‌کنند. در روز ۲۵ اوت، اما کارگران دیگر نزاری ندیدند که خود را از چشم ماموران پلیس پنهان کنند و با پیمودن مسیری طولانی و درحالی که هزاران پرچم سرخ در میان صفوف طولانی راهپیمایان به اهتزاز درآمده بود، به مقابل ساختمان استانداری ایالت کالیفرنیا رسیدند. کارگران در این روز خواستار پذیرش حق تشکل آنان در اتحادیه کشاورزی، تعیین شرایط کار و دستمزدها از طریق قراردادهای دستجمعی، افزایش دستمزد - ها و امکانات رفاهی خود شدند. کارگران کشاورزی آمریکابه خوبی می‌دانند که به عقب نشاندن صاحبان پر نفوذ بزرگترین مراکز کشاورزی کشت و صنعت در سراسر خاک آمریکا، راهی است صعب و دشوار، اما عزم جزم کارگران در روز ۲۵ اوت نشان داد که آنان حاضرند که این دشواری راه را تا نیل به پیروزی کامل خود پشت سر گذارند.

*** اعتصاب کارگران در اروگوئه**

اوضاع اقتصادی در اروگوئه رو به وخامت می‌رود. بیکاری، فقر و فلاکت بیداد کرده و دولت ورشکسته این کشور قادر به پاسخ گویی به اولیه ترین احتیاجات توده های کارگر و زحمت کش نیست. کارگران از هر فرصتی استفاده کرده و صدای اعتراض خود را به گوش همگان می‌رسانند. در همین رابطه روز ۲۶ اوت، روز استقلال اروگوئه از سلطه استعمارگران اسپانیا - نیایی، بیش از ۷۰ هزار نفر از کارگران به

خیابان ها آمده و علیه افزایش روز افزون بیکاری، موج اخراج وسیع کارگران، خصوصی سازی مراکز دولتی اقتصاد و گسترش نفوذ غارت گرانه مراکز مالی امپریالیستی، نظیر صندوق بین المللی پول، دست به راهپیمایی و اعتراض زدند. در شهر مونته ویدئو، صف طویل کارگران معترض تمام امور شهری را به تعطیل کشانده و پس از تجمع در مقابل پارلمان، خواستار استعفای دولت این کشور شدند. در این میان دولت این کشور برای پرداخت بهره وام‌های امپریالیست‌ها راه‌چاره را در استقراض بیشتر خارجی دید و اخیراً دولت آمریکا با پرداخت وامی به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار، بندهای وابستگی این کشور را مستحکم تر از گذشته ساخت و دور جدیدی از غارت دسترنج میلیون ها کارگر و زحمت کش اروگوئه را آغاز نمود. اما گسترش مقاومت کارگران نشان از رشد رادیکالیسم در جنبش توده ای و به میدان آمدن هزاران نفر برای احقاق حقوق خود دارد.

*** هندوراس: اعتصاب قهوه کاران**

بیش از ۱۲۰ هزار کارگر در هندوراس در مزارع قهوه به کار سخت و طاقت فرسا مشغولند. این کارگران کمترین دستمزد را گرفته و بعضاً تا ۱۵ ساعت در روز به کار گمارده می‌شوند. اخیراً هم در پی تشدید وخامت اوضاع اقتصادی یک رشته از کشورهای آمریکای جنوبی، دولت وابسته به امپریالیسم آمریکای این کشور نیز فرصت را غنیمت شمرده و بخش دیگری از بار این بحران همه جانبه را به دوش کارگران مزارع قهوه گذاشته است. از جمله افزایش بهره وام های ناچیز کارگران یکی از این اقدامات ضد کارگری بوده است. کارگران که در منتهای فقر و تنگدستی روزگاری گذرانند. سرانجام دست به اعتراض زدند. روز ۱۳ اوت، صدها نفر از کارگران جان به لب آمده در اطراف پایتخت این کشور به خیابان ها آمدند و چندان راه اصلی را مسدود نمودند و به سمت پایتخت حرکت کردند.

حرکت اعتراضی کارگران در اطراف پایتخت به سرعت به دیگر مناطق سرایت کرد و پس از مدت کوتاهی کارگران زحمتکش مزارع قهوه در دیگر مناطق هندوراس نیز به تعطیل کار - ها، مسدود ساختن راههای اصلی و برپایی تجمعات اعتراضی دست زدند. با گسترش سریع موج اعتراضی در میان کارگران، مقامات دولت نیز سریعاً دست به اقدام متقابل زده و صدها مامور ضد شورش پلیس و ارتش را به فوریت روانه سرکوب اعتراضات کارگران نمودند. متوقف ساختن صف راه پیمایان خشمگین و گرسنه تنها با شلیک گاز اشک آور و ماشین های آب پاش میسر شد. اما کارگران مبارز بیکارنشسته و به فوریت سنگرهای خیابانی برپا کرده و به زود خورد متقابل با ماموران پلیس پرداختند. در پی این اقدام کارگران، بیش از ۵۰۰ نفر دستگیر و دهها نفر زخمی

اخبار کارگری جهان

شدند. سرکوبگران توانستند اولین موج اعتراضی کارگران مزارع قهوه هندوراس را به خاک و خون کشند. اما اینان نمی توانند کارگران را از ادامه مبارزه خود منصرف کنند. کارگران درحال سازماندهی مجدد خود هستند و به زودی موج جدید اعتراضات از نقطه دیگری آغاز خواهد شد.

* پیروزی کارگران خدمات در اسکاتلند

روز ۱۶ اوت، غریبو شادی بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران خدمات بزرگترین بیمارستان شهر گلاسکو در اسکاتلند به گوش همه رسید. شادی کارگران بی مورد نبود. اینان توانسته بودند که یکی از بزرگترین شرکتهای فرانسوی را با اعتصاب و مبارزه یک پارچه خود به عقب نشینی وادار سازند. پیروزی کارگران تنها پس از ۲۴ ساعت از آغاز اعتصاب عمومی آنها میسر شده بود. کارگران زحمتکش خدمات این بیمارستان ماهها بود که با کارفرما به چانه زنی مشغول بودند و خواهان افزایش حداقل دستمزدهای خود متناسب با نرخ تورم و افزایش دستمزد روزهای بیماری خود بودند. کارفرما هم شرایط بین المللی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر را بهانه کرده و با هرگونه خواست رفاهی کارگران مخالفت کرده بود. اما سرانجام روز ۱۶ اوت کاسه صبر کارگران لبریز شده و تمامی ۳۰۰ کارگر خدمات بیمارستان Royal Infirmary برای مدت نامحدود دست از کار کشیدند. کارفرما که در ابتدا گمان می کرد می تواند کارگران را به سر کارهای خود بازگرداند، به زودی متوجه شد که کارگران سر آشتی ندارند و تنها راه حل مشکل کارگران، تحقق خواستهای آنان است. سرانجام روز ۱۷ اوت کارفرما بخش زیادی از خواسته های کارگران موافقت نمود و کارگران به سر کارهای خود بازگشتند.

* اوج گیری مبارزات کارگران در اندونزی

پس از تغییرات سیاسی سال های اخیر در اندونزی و سرنگونی دیکتاتور این کشور، اکنون زمان آن رسیده که زمامداران حاکم اوضاع اقتصادی راسر و سامان دهند. بیهوده خواهد بود اگر تصور کنیم که اینان راه حل دیگری جز مراجعه به امپریالیستها و تعمیق هر چه بیشتر وابستگی اقتصادی اندونزی داشته باشند. واقعیت این است که با فدا کاری و از جان گذشتگی توده های مردم دیکتاتوری نظامی در این کشور سرنگون شد و تصور مردم این بود که پس از این، دمکراسی و آزادی در این کشور برقرار خواهد شد. اما واقعیت این آزادی تنها برای سرمایه به دست آمد که بتواند شیره جان کارگران

را بیشتر بمکد و این بار دیکتاتوری سرمایه به عریان ترین شکلی برپا شد. گام بعدی در این روند گسترش همجانبه نفوذ سرمایه های امپریالیستی در اندونزی خواهد بود. در همین راستا نیز به یکباره اصلاح قانون کار به یکی از مسایل گرهی تبدیل شد. مقامات دولتی در تلاش های خود برای اصلاح قانون فعلی کار این کشور، حتی جزیی ترین موردی را هم که نشان از حمایت از حقوق کارگران را داشته، مورد انتقاد قرار داده و اینها را موانع اصلی عدم رشد اقتصادی در این کشور اعلام نمودند. اکنون باید این طور وانمود می شد که نه رژیم های وابسته و دیکتاتوری عنان گسیخته بلکه حقوق ولو ناچیز کارگران است که مانع از گسترش رفاه و آزادی برای مردم می شوند. به این ترتیب مقامات دولت پیشنهادی کردند که در قانون کار جدید قرار دادهای فردی جای قراردادهای دستجمعی را بگیرد، استخدام موقت مجاز شود و کارگران بتوانند پس از سپری شدن دوران "کارآموزی" با "تسهیلات" بهتری وارد بازار کار شوند، اما با این تفاوت که دستمزد آنان در این دوره کارآموزی تنها معادل ۸۰ درصد حداقل دستمزدها خواهد بود. علاوه بر اینها در قانون کار جدید کارفرما حق خواهد داشت که به کارگران اعتصابی دست مزدی پرداخت نکرده و هرگونه اعتصاب سیاسی و در هم بستگی با دیگر کارگران ممنوع گردید و در صورت نقض این قانون کارگران تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. در مقابل تمام این اجحافات، اتحادیه های کارگری، به رغم تعدد و ناهمگونی در سیاستهای خود، گردهم آمده و کمیته مبارزه علیه سرکوب کارگران را تشکیل دادند. این کمیته حمایت بیش از ۹۰ درصد کارگران این کشور را با خود داشته و در اولین اقدام خود، به رغم تشدید فشارهای پلیسی، از کارگران خواست، اعتصاب کنند و به خیابانها بیایند. در پی این فراخوان بیش از ۳۰ هزار کارگر روز ۱۹ اوت کارها را در ۶۰۰ کارخانه تعطیل کردند و به خیابان های پایتخت منطقه غربی جاوه آمدند. با گسترش موج همبستگی در میان کارگران ماموران پلیس به سرعت محوطه چند کارخانه بزرگ را محاصره کردند و تلاش نمودند که از خروج کارگران و پیوستن آنان به صفوف تظاهر کنندگان مانع کنند. با اوج گیری مقاومت کارگران ماموران پلیس به روی اعتصابیون آتش گشودند. در اثر این حمله وحشیانه یک کارگر کشته، دهها نفر زخمی و صد هائز دستگیر شدند. هر چند این حرکت موقتا سرکوب شد، اما مبارزه کارگران برای رسیدن به خواسته های برحق خود ادامه خواهد داشت.

مسئولیت این فجایع به گردن کیست؟

بیماری و نقص عضو می شوند. این کارگران نیز که در محیط های نا امن برای سرمایه داران کار می کنند، قربانی حرص و ولع سرمایه داران می شوند که برای کسب سود بیشتر، از هزینه کردن برای تامین شرایط ایمنی کار، سرباز می زنند.

تمامی این فجایع، بدبختی ها و مصائبی که طبقه کارگر با آن روبروست در نفس نظام سرمایه داری است. مسبب اصلی تمامی عوارض اجتماعی از آن جمله خودکشی و خود سوزی کارگران هم همین نظام سرمایه داری یعنی نظامی است که بر خون و استثمار بنا شده است. در بهشتی که اما حکومت اسلامی برای سرمایه داران درست کرده است، این عوارض بیش از پیش تشدید شده است.

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۴)

حجم نشریه دو برابر شده بود و از ۱۲ صفحه به ۲۴ صفحه افزایش یافته بود و هر شماره به انضمام بخشی برای کودکان و مادران و زنان خانه دار منتشر می شد. سرانجام در ۱۹۱۰، از وی خواسته شد که یک ضمیمه مد لباس انتشار دهد. در سال ۱۹۰۸، وقتی تقاضای اضافه کردن بخش مد و آشپزی و درج الگوی لباس به نشریه "برابری" شد، در واقع نشاندهنده کاهش نفوذ کلارا زتکین بود. در کنگره سال ۱۹۱۳ حزب، زتکین به حزب قول داد که من بعد توجه بیشتری به خوانندگان آموزش ندیده و آنهایی که هنوز "الفبای دید گاههای ما را نمی دانند" میزود دارد. (کیپنس - جنبش سوسیالیستی آمریکا - ۱۹۱۲-۱۸۹۷- نیویورک - صفحات ۳۲۰ و ۳۲۱) پس از آن، مقامات اتحادیه ها رسماً توزیع رایگان بخش عمده ای از نشریه برابری را برعهده داشتند. در نتیجه در سال ۱۹۱۴، حدود سه پنجم کل تیراژ که به تدریج از ۱۱۰۰۰ در سال ۱۹۰۳-۴ به ۱۲۵۰۰۰ در سال ۱۹۱۴ (کیپنس - صفحه ۴۱۵) رسیده بود، شمار نسخ توزیع شده "برابری" به ۷۱/۶ در صد زنان عضو SPD و ۵۹/۴ در صد زنان اتحادیه های کارگری رسید.

* در بخش بعدی، تاثیرات جنگ جهانی اول مورد بررسی قرار می گیرد.

کمک های مالی رسیده

استرالیا

مقدار	تاریخ	هواداران
۱۰۰ دلار استرالیا	آوریل ۲۰۰۲	هواداران
۱۰۰ دلار استرالیا	مه ۲۰۰۲	هواداران
۱۰۰ دلار استرالیا	ژوئن ۲۰۰۲	هواداران
۱۰۰ دلار استرالیا	ژوئلی ۲۰۰۲	هواداران
۱۰۰ دلار استرالیا	اوت ۲۰۰۲	هواداران

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۴)

در شماره قبل، نشریه‌ی "برابری" که به سر دبیری کلارا زتکین منتشر می‌شد، معرفی شد. نقش کلارا زتکین در جنبش بین‌المللی زنان، موضوع قسمت بعدی از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان است.

کلارا زتکین و جنبش بین‌المللی زنان سوسیالیست

زتکین تاثیر فراوان و مستقیمی بر روی زنان سوسیالیست خارج از آلمان می‌گذارد. در سال ۱۹۰۷، او ابتکار برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست در اشتونگارت را داشت که در آن ۵۹ زن از ۱۵ کشور شرکت داشتند. این کنفرانس تصمیم برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی متشکل از سازمان‌های زنان سوسیالیست گرفت.

کنفرانس یک دست‌نویس بود. به طور مثال برسر مسئله‌کلیدی حق رای برای زنان، نمایندگان اتریش، بلژیک، انگلیس و فرانسه خواهان مطالبه حق رای محدود بودند. به عبارت دیگر حق رای مشروط به میزان دارایی و ثروت از این نگاه واقع‌بین‌تر بود تا حق رای همگانی. نمایندگان انگلیس و فرانسه نیز در مورد "سکتاریسم" زتکین و طرفدارانش در برخورد به جنبش بورژوا فمینیستی بحث می‌کردند. اما کلارا زتکین در مخالفت با هر دو گرایش، استوار بود. هیئت‌نمابندگی روسیه از جمله الکساندرا کولنتای از نظریات زتکین دفاع می‌کرد. کنفرانس به‌نفع نظریات کلارا زتکین به اتمام رسید.

کنفرانس قطعنامه‌های قاطعی به تصویب رساند که احزاب سوسیالیست تمام کشورهای را موظف می‌ساخت که با تمام قوا برای حق رای همگانی مبارزه کنند. قطعنامه همچنین می‌گفت که زنان سوسیالیست نباید با زنان بورژوا متحد شوند بلکه دوش به دوش مردان سوسیالیست مبارزه را پیش برند.

زتکین به‌عنوان دبیر سازمان بین‌المللی زنان سوسیالیست برگزیده شد و نشریه‌ی "برابری" به عنوان ارگان مرکزی جنبش معرفی شد. کولنتای نیز به عنوان مسئول دبیرخانه برگزیده شد.

دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست در سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ، یک بار دیگر بر خواست حق رای همگانی تاکید نمود. سپس زتکین پیشنهاد پذیرش ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن را کرد. ایده و تاریخ برگزاری این روز، از تظاهرات زنان سوسیالیست آمریکایی در ۸ مارس ۱۹۰۸ در تقابل با جنبش زنان بورژوا برپا شد، الهام‌گرفته شده بود. از این پیشنهاد استقبال گردید و مورد تأیید کنفرانس واقع شد. اوایل سال ۱۹۱۱ تا هنگام درگیری جنگ در سال ۱۹۱۴، تظاهرات روز جهانی زنان در شهرهای اروپا برگزار شد (والبته مهم‌ترین آنها، تظاهراتی بود که در

هنگام جنگ در گرفت و انقلاب روسیه را برانگیخت).

اپوزیسیون دست راستی علیه زتکین

هم در جنبش زنان سوسیالیست و هم در درون SPD به طور کلی، یک اپوزیسیون راست علیه زتکین وجود داشت. SPD به ۳ گرایش تقسیم می‌شد: درمنتهای راست افراطی "ریویزیونیست" - ها، که هواداران ادوارد برنشتین بودند، درمنتهای چپ، هواداران روزا لوکزامبورگ و بالاخره در مرکز، طرفداران بیل و کائوتسکی. همین سه گرایش، در درون جنبش زنان سوسیالیست نیز موجود بود. در جنبش زنان سوسیالیست، گرایش راست تمایل به همکاری با لیبرال‌ها را داشت تا با زنان عضو SPD.

معروف‌ترین نماینده این گرایش، لیلی براون (۱۹۱۶ - ۱۸۶۵) بود که از یک خانواده اشراف‌منش بود و هیچگاه به‌خاستگاه طبقاتی‌اش پشت نکرد. او علیه مبارزه طبقاتی چنین استدلال می‌کرد: سوسیالیسم از طریق فعالیت انقلابی طبقه‌کارگر، به تنهایی حاصل نخواهد شد بلکه از طریق فعالیت شماری از نیروهای مترقی از جمله فمینیستها متحقق خواهد شد. به اعتقاد وی، تمامی فمینیستها فی‌نفسه مترقی هستند چراکه علیه نابرابری جنسی اند، همان‌گونه که سوسیالیستها علیه نابرابری طبقاتی اند.

در سال ۱۸۹۵، لیلی براون، به همکاری با فمینیستهای بورژوا پرداخت و به جمع آوری امضاء برای رفرم قانون اجتماعات پرداخت. او به همراه "مینا کوانر" بورژوا فمینیست رادیکال به ویراستاری نشریه "جنبش زنان" پرداخت. اولین شماره این نشریه وظایف نشریه را چنین جمع‌بندی کرده بود: حمایت از کلیه زنان صرف نظر از دیدگاه سیاسی و مبارزه برای هدف مشترک برابری جنسی، ما خواهان مبارزه هم برای برابری آموزشی و هم برابری دستمزد هستیم.

لیلی براون از برخورد مردان نسبت به زنان در جنبش کارگری، گلایه می‌کرد و استدلال می‌کرد که این یک توهمی بیش نیست که باور کنیم که مبارزه طبقاتی، اختلاف بین دو جنس را از بین خواهد برد.

در سال ۱۹۰۱، لیلی براون در جزوه‌ای تحت عنوان "گار زنان و کئوپراتیوهای خانوار" که در آن از این ایده دفاع می‌کرد که زنان با سازمان دهی کئوپراتیوهای خانوار از کار طاقت فرسای خانگی رها خواهند شد. زتکین با این ایده شدیداً مخالفت کرد و آن را اتوپیایی و اپورتونیستی نامید. چرا که تنها به نفع زنان طبقه متوسط بود که با داشتن درآمد منظم و مستمر از این نفع خواهند برد. زتکین پیشنهاد "براون" را "رفرم بورژوازی

کار" نامید. لیلی براون از سوی چند تن از اعضای معروف جنبش سوسیالیست زنان و شماری از رهبران مرد SPD حمایت می‌شد. لیلی براون و هوادارانش، بدون موفقیت هم نبودند. بین سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۲ در هامبورگ و برلین چندین اجلاس مشترک متشکل از زنان کارگر و فمینیست‌های بورژوا برگزار گردید تا امکانات همکاری را مورد بررسی قرار دهند. زتکین با تلاش فراوان قادر به ممانعت از تاثیرگذاری لیلی براون شد و نهایتاً در سال ۱۹۰۳ او را به کلی از جنبش زنان سوسیالیست کنار گذاشت و بیرون راند.

یکی دیگر از مخالفین سرسخت کلارا زتکین، نماینده Reichstag ضد فمینیستی به نام "ادموند فیشر" بود. فیشر در مقاله‌ای تحت عنوان "مسئله زنان" که در ۱۹۰۵ در "مجله سوسیالیستی" منتشر شد، چنین سؤال کرد: "آیا این غیر طبیعی و به لحاظ اجتماعی ناسالم نیست که زنان کارکنند؟ این وسوسه سرمایه داری است که با الغاء آن نابود شود؟" پاسخ او روشن بود: "آن چه به اصطلاح رهایی زن نامیده می‌شود و با طبیعت زن و انسان به طور کلی در تناقض است. این امری غیرطبیعی و از این رو دست نیافتنی است." (فونر- جلد دوم- ص ۱۹۰) او چنین ادعا کرد: "اولین و والاترین کار نیک در زندگی برای زنان که در طبیعت اش نهفته است مادر بودن و تربیت فرزندان است." درکنگره مانهایم SPD، در ۱۹۰۶، گرایش چپ به‌رهبری روزا لوکزامبورگ شکست خورد. حمله گرایش راست متوجه کلارا زتکین شد که روابط سیاسی نزدیک و دوستانه‌ای با روزا لوکزامبورگ داشت.

هنگامی که قانون اجتماعات در سال ۱۹۰۸، ملغاشد، کنفرانس زنان در نورمبرگ تصمیم به مشارکت زنان در شعبات محلی SPD گرفت. به نحوی که حداقل یک زن در کمیته اجرایی منطقه، مسئول تبلیغات در میان زنان کارگر باشد. دفتر مرکزی جنبش به دفتر زنان تغییر یافت و تابع دفتر اجرایی ملی حزب اعلام شد. به رغم اعتراض زنان، تنها یک زن به عضویت هیئت اجرایی پذیرفته شد و آن لوئیز زیتسن بود. او برخلاف زتکین، به جناح چپ حزب تعلق نداشت بلکه از جناح مرکز (کائوتسکی) حمایت می‌کرد. (فونر- جلد سوم - ص ۲۰۲)

در همان سال (۱۹۰۸) که زتکین کنار گذاشته شد، سازمان جوانان رادیکال نیز تصفیه شد. پروسه ادغام جنبش زنان در SPD منجر به جذب توده‌ای زنان به حزب شد به نحوی که در سال ۱۹۰۸ که تعداد آنها ۲۹۴۶۸ نفر بود، در سال ۱۹۱۴، به ۱۷۴۴۷۴ رسید. طی مدت کوتاه ۶ سال، رشدی حدود ۱۵۰۰۰۰ نفری یافت. (فونر- جلد ۴- ص ۳۶)

در سال ۱۹۰۸، حتی نظارت زتکین بر سر دبیری نشریه برابری تضعیف شد. همان طور که قبلاً دیدیم، ماهیت مجله تغییر کرده بود.

یادداشت‌های سیاسی

**دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر:
تا ۲۰ سال دیگر ۱۹ میلیون معتاد**

حکومت اسلامی، حقیقت را گفته است؛ "اگر وضع به همین منوال پیش رود" تا ۲۰ سال دیگر تعداد معتادان به مواد مخدر در ایران به ۱۹ میلیون خواهد رسید. منتها باید جمله او را به این شکل تصحیح کرد؛ اگر قرار باشد ۲۰ سال دیگر جمهوری اسلامی در ایران حاکم باشد و بر مردم حکومت کند؛ با فجایعی دهشتناک تر از این روبرو خواهیم بود.

همین مانده بود که

((دادگاه جرائم اینترنتی))

تشکیل شود!

در کشورهایی که دیکتاتوری‌های عریان حاکم اند؛ هیچ‌چیز به اندازه ماشین سرکوب توسعه و رشد پیدا نمی‌کند. در ایران؛ جایی که حکومت اسلامی حاکم است و سرکوب و اختناق در بالاترین مدارج آن قرار دارد؛ روزی نمی‌گذرد که ماشین مخوف سرکوب؛ توسعه نیابد و بر طول و عرض آن افزوده نشود. دایما بر تعداد اعضای نیروهای مسلح افزوده می‌شود. ارگان‌ها و واحدهای جدیدی در کنار المثنای قدیمی ترشان ظاهر می‌گردند. حیطه‌های جدیدی برای سرکوب کشف می‌شود و نیروهای ویژه‌ای برای آن سازمان می‌یابند. این تنها مختص نیروهای مسلح؛ ارتش، سپاه، بسیج، پلیس و امثالهم نیست. بلکه ویژگی تمام ارگان‌هایی است که وظیفه سرکوب مستقیم را برعهده دارند؛ از جمله دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی؛ زندان‌ها؛ دادگاه‌ها و غیره.

کاردستگاه قضایی جمهوری اسلامی هم واقعا پر رونق است و مشتریان بی‌شمار؛ که قضات؛ فرصت سرخاراندن ندارند. زندان‌ها رابه حدی پرکرده‌اند که ده برابر ظرفیت شان آدم‌ها را روی هم تلنبار کرده اند. چاره ای نیست جز این که زندان‌های بیشتری ساخته‌شود. قضات بیشتری به کارگمارده شوند. دادگاه‌های ویژه تری برپا گردند. اما با این همه کفایت نمی‌کنند. پایه پای پیشرفت علوم؛ پیدایش و تکامل تکنیک‌های مدرن؛ امکان بیشتری برای توسعه و رشد این دستگاه نیز فراهم می‌شود. اخیرا حیطه جدیدی برای این بسط و توسعه پیدا شده‌است. مردم ایران که قرار بود به حکم سر نیزه؛ تنها؛ خبری را بشنوند؛ مقاله و کتابی را بخوانند؛ فیلمی را ببینند و به اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند که رادیو؛ تلویزیون و روزنامه‌ها و دیگر مطبوعات وابسته به رژیم در اختیار آنها قرار می‌دهند و اگر از منبع دیگری - ست حتما مهر سانسور بر آن حک شده باشد؛ نافرمانی کرده‌اند و به‌نحو فزاینده‌ای با رایج

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها

و بیانیه‌های سازمان

کارگران چیت سازی بهشهر، در ادامه مبارزات چندین ماه گذشته خود، در دومین هفته شهریورماه باردیگر دستبه اعتراض زدند و خواهان تحقق مطالبات خود شدند. در تاریخ ۱۹/۶/۸۱، سازمان اطلاعیه‌ای در حمایت از مبارزات و مطالبات کارگران چیت سازی بهشهر انتشار داد. در این اطلاعیه گفته شده است که در این هفته نیز کارگران چیت سازی در مقابل درب کارخانه اجتماع نمودند و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود و نجات از بلاتکلیفی شدند. حدود ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه مدتهاست که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. اطلاعیه سازمان می‌افزاید، هفته‌ای نمی‌گذرد که کارگران یک کارخانه که با وضعیت مشابهی روبرو هستند در مقابل کارخانه، مراکز دولتی و خیابانها اجتماع نکنند. چند روز پیش کارگران شرکت لامپ الوند که حقوق و مزایای آنها ۴ ماه است، پرداخت نشده و با خطر اخراج روبرو هستند، درمقابل استانداری قزوین تجمع نمودند و به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود اعتراض کردند.

در تاریخ ۱۹/۶/۱۳۸۱، مجددا اطلاعیه‌ای در حمایت از تظاهرات مردم مهاباد انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که اخبار انتشار یافته از کردستان حاکی است که مردم مهاباد امروز صبح در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه حکومت اسلامی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در اعتراض به کشتن و زخمی شدن چندتن از مردم کردستان در جریان تیراندازی مزدوران مسلح حکومت صورت گرفت. اطلاعیه سازمان ضمن حمایت از مبارزات مردم مهاباد، اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه نیروهای رژیم را علیه مردم کردستان محکوم کرد و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان گردید.

تجمع و تظاهرات کارگران قرقره زیبا، عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۲۰ شهریور ماه انتشار یافت. اطلاعیه می‌گوید که اعتراض و مبارزه کارگران قرقره زیبا که یک ماه ونیم پیش در پی اخراج حدود ۶۰۰ تن از کارگران آغاز شد ادامه دارد. کارگران که از همان آغاز مبارزه گسترده‌ای را علیه تصمیم هیئت مدیره این کارخانه که وابسته به بنیاد مستضعفان است آغاز کردند. آنها چند روز مداوم کارخانه را به اشغال خود درآوردند و خواهان لغو این تصمیم شدند. اطلاعیه می‌افزاید که بنیاد زیر فشار مبارزه کارگران عقب نشینی کرد و اعلام نمود که کارگران اخراج نشده بلکه تنها چند ماهی که طرح نوسازی اجرا می‌شود بیکارند. اما اکنون آنها می‌خواهند زیر وعده‌های خود بزنند و با پرداخت مبلغ ناچیزی کارگران را باز خرید کنند. اطلاعیه می‌گوید اعتراض امروز کارگران قرقره زیبا در مقابل بنیاد مستضعفان نسبت به مصوبات مجلس ارتجاع علیه کارگران و تلاش موسسه انحصاری بنیاد مستضعفان به منظور اخراج و پایمال کردن حقوق کارگران صورت گرفت. کارگران باز خرید تمحیلی را نمی‌پذیرند.

شدن تکنیک‌های جدید؛ آنها را از منابع دیگر کسب می‌کنند. یکی از این منابع اینترنت است. این جرمی ست بزرگ و گناهی نابخشودنی که نه الله در کتاب خود اجازه آن را صادر کرده است؛ نه رسول الله و نه حکومت الله. چه باید کرد؟ امکان دسترسی به اینترنت بیشتر می‌شود. تعداد بیشتری از مردم به اخبار و اطلاعات و کتب و هر آنچه مضر و محل امنیت کشور است دسترسی پیدا می‌کنند. حتی کار به جایی رسیده که پس از آن همه زحمات دستگاه‌های اطلاعاتی و قضایی در بستن و ممنوع کردن و توقیف کردن روزنامه‌ها؛ به یک باره سر از اینترنت در می‌آورند. نویسندگانی که چاپ نوشته‌هایشان ممنوع است؛ آثار خود را بر روی صفحات وب در اینترنت قرار می‌دهند. اطلاعیه‌ها؛ بیانیه‌ها؛ آثار و برنامه سازمان - های سیاسی که داشتن حتی یکی از آنها برای صدور حکم اعدام کافی بود؛ حالا از این طریق در دسترس همگان قرار می‌گیرد. باید چاره‌ای اندیشید. اگر امروز به علت هزینه بالای دسترسی به اینترنت؛ انبوه بندگان خدا هنوز دستشان به کامپیوتر و اینترنت نرسیده است؛ چندان طول نخواهد کشید که آنها هم به این وسایل دسترسی پیدا کنند و آنوقت دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود؛ پس از هم‌اکنون چاره‌ای باید اندیشید. دستگاه‌های قضایی و پلیسی و اطلاعاتی و مخابراتی؛ برای حل این معضل؛ اجلاس تشکیل می‌دهند. عقل‌هایشان را روی هم می‌ریزند تا ببینند چه باید بکنند. هر ارگانی و نهادی از وزارت اطلاعات و پلیس گرفته تا مخابرات و تلفن و متخصصین در خدمت رژیم هر یک وظیفه‌ای بر عهده می‌گیرند. دستگاه قضایی نیز برای انجام وظیفه خطیر خود دست به کار شد. پس از یک اجلاس مشترک؛ شاهرودی رئیس قوه قضائیه در ۲۴ شهریور خواستار تشکیل کمیته‌ای ویژه برای رسیدگی به جرائم اینترنتی و تهیه و تنظیم لایحه مربوط به آن شد. نامبرده افزود که به زودی برخی از شعب دادگاه‌ها؛ رسیدگی به جرائم اینترنتی را برعهده خواهند گرفت. حالا دیگر باید منتظر بود که دستگاه قضائی گروه دیگری از مردم را به اتهام جرائم اینترنتی به محاکمه بکشد و به زندان و شلاق و جریمه محکوم کند. اما تلاش رژیم مذبحخانه است. هزاران و ده - ها هزار و در آینده ای نزدیک میلیون‌ها تن را نمی‌توان به دادگاه کشاند و به زندان برد. کار از کار گذشته است.

پوزش و تصحیح:

با پوزش از خوانندگان؛ در سرمقاله نشریه کار نیمه اول شهریور ۸۱ - ستون نخست؛ ۸ سطر مانده به پایان ستون؛ به جای مونتری اشتباها مونترال تایپ شده که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

یادداشت‌های سیاسی

دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر: تا ۲۰ سال دیگر ۱۹ میلیون معتاد

از شر این همه فشار که کمر آنها را خم کرده است، به مواد مخدر روی می آورند. میلیون ها جوانی که به بازار کار سرازیر شده اند، اما کاری نمی یابند، بیکار، ولگرد و سرگردان به اعتیاد روی می آورند. مردمی که از امکانات تفریحی، فرهنگی و هنری آزادانه و موردعلاقه خود برخوردار نیستند، یکی از راههای جایگزینی را پناه بردن به مواد مخدر می بینند. دورکردن مردم از مسایل سیاسی، سرکوب و اختناق و حاکمیت رژیم پلیسی نیز از دو جهت گروهی از مردم را به سوی مواد مخدر سوق داده است. از یک طرف احساس ناتوانی سیاسی در قبال وضع موجود توسط گروهی از مردم و پناه بردن به مواد مخدر برای غرق شدن در دنیای دیگری که فجاج سیاسی پیرامون را نبینند واز دیگر سو، تلاش رژیم برای سوق دادن مردم به مواد مخدر برای این که از مسایل سیاسی و رودر رو شدن با حکومت بپرهیزند. علاوه بر آنچه که گفته شد، گسترش مواد مخدر، تجارتیست پرسود و سودهای کلانی عاید باندهای مافیایی می کند که همواره یک پایشان در درون حکومت است. تنها سران و رده های بالای رژیم از این تجارت سود نمی برند، دستگاہهای معینی، نظیر ارگان های نظامی و انتظامی و قضایی از این بابت درآمد های هنگفت به چنگ می آورند. ممکن نیست که در یک کشور، مواد مخدر حتی در حد بسیار اندک توزیع شود و پلیس و دستگاہ قضایی، ژاندارمری و ارتش و غیره نتوانند در مدتی بسیار کوتاه سرخ اصلی آن را به دست آورند. پس اگر این مواد در ایران، در ابعادی وسیع و باور نکردنی توزیع می شود، با همکاری و شراکت دستگاہهای نظامی، امنیتی و قضایی رژیم است و آنها نمی توانند چنین کنند مگر آنکه حامیانی در بالاترین رده های حکومت داشته باشند. با این دلایل روشن است که مردم، نظم اقتصادی - اجتماعی و سیستم حاکم بر ایران را مسبب اعتیاد گسترده جوانان و دیگر گروه های سنی می دانند. با وجود این نظم است که سال به سال بر تعداد معتادان افزوده می شود و تا این نظم حاکم است، اوضاع بهبود نخواهد یافت و روز به روز بدتر خواهد شد. دبیرکل به اصطلاح "ستاد مبارزه با مواد مخدر" صفحه ۷

علی هاشمی دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در مصاحبه ای با ایرنا، پیرامون افزایش روز افزون اعتیاد در ایران گفت: اگر اوضاع به همین منوال پیش رود، تعداد معتادان در سال ۱۴۰۰ به ۱۹ میلیون نفر خواهد رسید. اگر نام و مقام گوینده ابعاد فاجعه، از نخستین سطر این نوشته حذف می شد، شاید برخی کسانی که نشریه کار را می خوانند، با خود می گفتند، این ارقام و آمار اغراق آمیز است. چطور ممکن است هر سال رقمی بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار بر تعداد معتادان در ایران افزوده شود و اگر "اوضاع به همین منوال پیش رود" ۲۰ سال دیگر بیش از یک چهارم جمعیت ایران معتاد به مواد مخدر خواهد بود. اما گوینده مشخص است و مقام و منصب او هم روشن و قطعاً وقتی که "دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر" این ارقام را ارائه می دهد، بر مبنای شناخت، اطلاعات و محاسبات دقیقی است. ابعاد فاجعه روشن است و تکان دهنده و البته مسئله پوشیده و پنهانی هم نیست. یک معضل اجتماعی ست که مردم ایران روز مریه با آن روبرو هستند و از آن رنج می برند. اکنون دیگر کمتر خانواده - ای است که در آن معتاد یافت نشود، اعضای خانواده در رنج و عذاب ناشی از آن نباشند، و همه روزه تعدادی از این انسانهای معتاد به مواد مخدر که از نظر جسمی و روحی تباہ شده اند، با مرگی زودرس روبرو نباشند. نیازی به گفتن نیست که این انبوه جمعیت معتادان که هم اکنون بر طبق ارقام رسماً اعلام شده تعداد آنها بین ۳ تا ۵ میلیون است، جوانان کشوراند. منابع دولتی خود اذعان دارند که نمودار سنی معتادان به مواد مخدر سال به سال در ایران پائین می آید و اکنون نوجوانان ۱۵، ۱۶ ساله نیز به مواد مخدر روی آورده اند. پدیده اعتیاد در میان زنان جوان که در ایران بی سابقه بود، اکنون رواج و گسترش یافته است. علت گسترش بی سابقه اعتیاد به مواد مخدر بر کسی پوشیده نیست. فشار بی حد و حصر اقتصادی - اجتماعی و سیاسی علت اصلی این فاجعه است. مردمی که روز مریه زیر شدیدترین فشار اقتصادی و مادی قرار دارند، راه نجاتی برای رهایی از این همه فلاکت، فشار و بدبختی نمی بینند، برای تسکین لحظه ای

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org



Organization Of Fedaian (Minority)

No.389 sep 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی